



شماره : 28

باسمه تعالی

نشریه اسلامی



الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

خاص برای دانشجویان

تاریخ: 2019/10/10

نگاه 28

مجموعه مقالات با عنوان نگاه مخصوص

دانشجویان مسلمان

موضوع: غفلت

دکتر: نهضتیار خطیبی

(غفلت)

یکی از منفی ترین و مذموم ترین صفاتی که انسان را به سوی تباهی می کشاند عبارت از (غفلت) می باشد. شخصی که به این بیماری مهلك دچار شود، هیچگونه آمادگی برای نجات ندارد، و با وجود استماع نصایح و اطلاع یافتن از حقایق در حالت اعراض ناشی از مرض مذکور بسر می برد. الله متعال فرمود: { اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ } زمان محاسبه‌ی مردمان (کفرپیشه‌ی چون قریش بسیار) بدیشان نزدیک است در حالی که آنان غافل (از هول و هراس آن) و روی‌گردان (از ایمان بدان) می‌باشند.

{ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ } هیچ بخش تازه‌ای از قرآن (و اندرز جدیدی) از سوی پروردگارشان بدیشان نمی‌رسد مگر این که آن را به شوخی می‌شنوند و به بازی می‌گیرند. {لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ }

آنان در حالی هستند که دل‌هایشان غافل است (از اندیشیدن درباره‌ی آن). چنین ستم پیشگانی گفتگوهای درگوشی (خود را که برای توطئه علیه پیغمبر و قرآن انجام می‌دادند) پنهان می‌داشتند (و به همدیگر) می‌گفتند: مگر این (شخص که ادعای پیغمبری می‌کند) انسانی همچون شما نیست؟ (حال که او بشر عادی و همسان با شما است و کلام جادویی دارد) آیا به سراغ جادو می‌روید (و آن را می‌پذیرید) گرچه می‌بینید (که جادو است؟!)

انبیاء- ۱-۳-۲

کسانیکه در نشئه غفلت مخموراند، یقین ندارند که بالاخره وقت حساب و کتابی و فیصله‌ای فرا رسیدنی است، لذا هیچگونه پایبندی به اوامر الهی را الزامی نمی‌داند، و بدیهی است که عدم التزام به اوامر و عدم اجتناب از نواهی الهی به ندامت خواهد انجامید، ولی پشیمانی بی وقت افسوس و حسرت بی فایده خواهد بود .

{وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }

ای پیغمبر! ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان آن هنگامی که کار از کار می‌گذرد و (همه‌چیز دنیا پایان می‌گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می‌رسد، و ستمکاران

می‌بینند که) ایشان در غفلت (عمر گرانبمایه را) بسر برده‌اند و (به قیامت و بهشت و دوزخی) ایمان نداشته‌اند.] مریم-۳۹

قرآن عظیم الشان در مورد علم ظاهری و محدود و سطحی منکرین حق که منحصر به آرایش و آسایش دنیوی و لذات زود گذر آن می‌باشد، ولی از اعماق اسرار حقیقی زندگی که همانا حیات و زندگانی اخروی است، در غفلت اند می‌فرماید:

{ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ }

این اکثریت کوتاه‌بین تنها ظاهر و نمادی از زندگی دنیا را می‌دانند، و ایشان از آخرت کاملاً بی‌خبرند. روم- ۷

آیات و نشانه های الهی و حادثات عبرت آمیز بیان و عیان می‌گردد، خداوند جل جلاله نعش فرعون را از دریا بیرون برآورد تا مایه عبرت بنی اسرائیل و سایر نسل ها و عصرها گردد، ولی کجاست قلب و ضمیری که بیدار گردد؟

{ قَالِیَوْمَ نُنَجِّیْكَ بِيَدِنَا لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ }

ما امروز لاشه‌ی تو را (از امواج دریا و یورش ماهیها) می‌رهانیم (و آن را به ساحل می‌رسانیم و به پیش کسانی گسیل می‌داریم که تو را خدا می‌دانستند) تا برای کسانی که اینجا نیستند و برای آیندگان درس عبرتی باشی. بیگمان بسیاری از مردمان از آیات (خواندنی قرآن و دیدنی جهان) ما غافل و بی‌خبرند (و بدانها چنان که شاید و باید نمی‌نگرند). [یونس - ۹۲

فرعون که ظلم و ستم اختیار کرد خداوند او را به لعنت گرفتار کرد
(نهضتیار خطیبی)

شخص مسلمان چنان است که هرگاه بنابر طبیعت بشری اشتباهی ناخود آگاهی را انجام داد و یا توسط اغوای شیطان و اغرای نفس سرکش گناهی سرزد بلافاصله توبه نموده و در گناه اصرار نمی‌ورزد، این مقاومت در برابر ابلیس و نفس اماره را تا آخر عمر ادامه می‌دهد و هرگز تسلیم معاصی نمی‌شود، ولی آنهاییکه که از تعلیمات و تربیه اسلامی دوری اختیار نموده و تابع هوا و هوس و غرق نفس پروری شده‌اند و در گناه کردن پافشاری و اصرار می‌ورزند، برای آنها به سبب معاصی و اصرار در گناهان از طرف خداوند جل جلاله عقوبت

غفلت تعیین می گردد: { أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَتْهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ }

آنان کسانی که خدا بر دلها و گوش و چشمانشان مهر نهاده است (و به سبب زشتیها و پلشتیهایشان، دریچه‌ی عقلشان را به روی همه‌ی حقائق بسته است، و حسّ تشخیص و قدرت تمیز را از ایشان گرفته است). و چنین افرادی (با آویزان بودن پرده‌های غفلت و بی‌خبری به دل و چشم و گوششان، که ابزار شناخت انسانند) غافلان واقعی می‌باشند. [نحل-108]

غفلت انواع و اقسام خطیری دارد، یک نوع آن غفلت از پناه بردن به الله جل جلاله می باشد، خداوند هیچکس را به این نوع غفلت مبتلا نکند، شخصی که به این نوع بیماری مهلك مبتلا باشد، هنگام مشاکل به جای اینکه به خداوند تبارک و تعالی پناه برد، بسوی غیر الله که هیچ خیر و شر در اختیار او نیست، روی می آورد، غافل از اینکه خیر و شر، رحمت و زحمت همه در قدرت او تعالی است و بس: {وَأَن يَّمْسَسَكَ اللَّهُ يَضُرَّ قَلًا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإَن يُرِدْكَ يَخِيرَ قَلًا رَّادًّا لِّفَضْلِهِ يُصِيبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ}

اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هرکس از بندگان که بخواهد می‌کند (و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد) و او دارای مغفرت و مهر فراوان است. [یونس-۱۰۷]

بندگان خداوند مکلف اند تا خاص از ذات باری تعالی استعانت جویند، زیرا چنانچه گفته آمدیم، خیر و شر و سود و زیان تنها در قبضه تصرف الله متعال است و بس، بنابراین استعانت جستن از غیر الله ظلم و ستم محسوب می گردد [وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ]

و به جای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می‌رساند و نه زبانی. اگر چنین کنی (و دعا و عبادت خود را به جای آفریدگار متوجه آفریدگان سازی) از ستمکاران و مشرکان خواهی شد. [یونس-۱۰۶]

اینگونه اشخاص هرگاه از خواب غفلت بیدار شوند یقیناً پی خواهند برد که قدرت الله کامل و علم او تعالی محیط می باشد و هیچ نیرویی بجز الله متعال اختیار دفع کردن جزئی ترین مشکل شانرا ندارد، آن وقت خواهند دانست که این همه سرگردانی هایشان به هر در

نتیجه جهالت و غفلت بوده است.

{ قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا }

ای پیغمبر! به مشرکان بگو: کسانی را که بجز خدا (شایسته‌ی پرستش) می‌پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، اما (خواهید دید که) نه توانائی دفع زیان و رفع بلا از شما را دارند، و نه می‌توانند آن را دگرگون سازند (و ناخوشیها را به خوشیها تبدیل کنند و یا این که از اندوه دردها بکاهند) [اسراء - ۵۶]

نوع دیگر این بیماری مهلک عبارت از غفلت از توبه می باشد، اینگونه اشخاص بنابر اقتضای مرض بخود نمی آیند که از خدا بترسند و در حرکات و سکنات و اخلاق خود تغییر آورده راه انابت و اصلاح را در پیش گیرند، غافل از ارشادات و هدایات نجاتبخش و حیاتبخش الله متعال که می فرماید: { وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر فرمان خدا داشته‌اید توبه کنید) تا رستگار شوید. نور - ۳۱

نشئه غفلت آهسته آهسته شخص غافل را چنان مخمور می کند که بالاخره همه اوقات شب و روز را فرا گرفته، وی را رهسپار دیار ظلمت ها و ضلالت ها می سازد، بگونه ای که حتی یک لحظه هم یارای توقف را در خود نمی بیند تا باری استاده و به عقب نظری افکند تا مگر بصیرتی یافته و از راه رفته نادم شده و فیصله بازگشت نماید، زیرا عفو و بخشش خداوند جل جلاله شامل همه اوقات است (اگر چه برخی اوقات و زمان ها فضیلت خاصی دارند) و بنده عاصی در هر قسمت از شب و یا روز که از خواب غفلت بیدار شود و به بارگاه الهی روی آورد، ابواب توبه را مفتوح می یابد در حدیث شریف ذیل که امام مسلم از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می کند قبول توبه و استمرار لطف و رحمت خداوند تبارک و تعالی متجلی می شود: { إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مَسِيئُ النَّهَارِ وَ يَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مَسِيئُ اللَّيْلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا } (خداوند دست (بلا کیف) خویش را به شب می گستراند تا توبه کسی را که در روز گناه نموده قبول نماید و دست خویش را به روز می گستراند تا توبه گنهکار شب را بپذیرد تا آفتاب از مغرب طلوع کند.

اگر اینگونه اشخاص غفلت زده به هوش نیایند و به سفاهت و عاقبت نیندیشی ادامه دهند بالاخره زمانی فرا خواهد رسید که دیگر هوشیار شدن و بیدار شدن سودی نخواهد داشت، و

آن لحظاتی خواهد بود که حالت نزع بر انسان طاری شده و روح به حلقوم برسد، از ابوعبدالرحمن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: {إن الله عزوجل يقبل توبة العبد مالم يغفر} (خداوند عزوجل توبه بنده را می پذیرد تا لحظه ای که روح به حلقومش نرسد).

یکی دیگر از انواع غفلت عبارت از غافل شدن از ذکر و یاد الله متعال می باشد، شخص مصاب به این نوع غفلت بجای اینکه خدای متعال را به زبان و دل یاد نموده و اطاعت نماید تا باران احسان و مراحم خداوند متعال بر وی ببارد، بر عکس در چنان خواب غفلت فرو می رود که کاملاً در نقطه مقابل و مخالف قرار گرفته و نعمت و سعادت را به نعمت و شقاوت مبدل می کند، او نمیداند که ذکر الله بزرگترین نعمت الهی می باشد که دلالت به قرب و نزدیکی و محبت بنده با خالق متعال نموده باعث آرامش روحی و آسایش قلب شده، گره های سخت بسته شده زندگی را باز می گشاید، و همه وسوسه های شیطانی و یا هر گونه غم و اندوه و نگرانی بر انسان چیره شد، برای نجات از چنین حالتی باید فوراً به یکی از انواع ذکر الهی از قبیل: تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر، حوقله (یعنی لا حول ولا قوة إلا بالله، گفتن) و استغفار و درود بر رسول خدا علیه الصلاة والسلام، مبادرت ورزد، در اینصورت در همان لحظه و یا پس از مدتی تأثیر آنرا احساس نموده و یک نوع راحت توأم با فرحت جایگزین همه ناراحتی ها گردیده و اطاعت اوامر الهی برایش آسان می شود.

هرگاه شخص غافل علی الأقل بطور ابتدایی در جستجوی راه بیرون رفت از این مشکل خطیر شود، بالاخره خداوند برایش توفیق هدایت را عنایت فرموده که در اثر آن پی خواهد برد که سعی ورزد تا خود را از ردیف غافلان وارهاند، لذا در راه تحقیق این هدف متعالی لحظه ای را هم ضایع نخواهد کرد و هم به زبان و هم از ته دل توأم با تضرع و زاری و رغبت و رهبت در همه اوقات شب و روز در ذکر و یاد خداوند تبارک و تعالی خواهد بود: ارشادات قرآنی در این خصوص چنین است: {وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ}

(پروردگارت را در دل خود، با فروتنی (در برابر خدا) و هراس (از او) و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن، و از زمره غافلان مباش) (اعراف 205)

خداوند هیچ کس را به این نوع غفلت (غفلت از ذکر) دچار نگرداند، در حدیثی که امام بخاری از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت نموده است پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام اینگونه شخص غافل را به مرده مثال داده و فرموده اند: [مثل الذی یذكر ربه والذی لا یذكره، مثل الحی و المیت] (صفت کسی که خدا را یاد می کند و آنکه یاد نمی کند، مانند زنده و مرده است).

غفلت از واپس گردانیدن حقوق مظلومان نیز نوع دیگر از این بیماری را تشکیل می دهد، کسیکه غرق غفلت باشد طبعاً ممکن است به شکلی از اشکال بالاخره مرتکب ظلم و ستم شود، وی تا زمانیکه اسیر کمند غفلت است هرگز پی نخواهی برد که علاوه از اینکه از ظلم و ستم دست بردارد باید حق مظلوم را نیز واپس گرداند و یا اینکه از او بخشش بخواهد، که شاید این حق عبارت از قتل یا دست درازی به مال و یا آبرو و عزت باشد.

در مورد قتل باید گفت که شخص قاتل باید خودش را در اختیار (ولی مقتول) قرار دهد تا حق خویش را از وی (یا با قصاص و یا عفو) بستاند.

همچنان مال باید دوباره به مالک آن واپس گردانیده شود و یا اینکه از وی (صاحب مال) بخواهد که حلالش کند، همینگونه در مورد آبرو و عزت، اما اگر خوف آن می رفت که هرگاه به شخصیکه به آبرویش تجاوز (از قبیل بدگویی، دشنام، تهمت، غیبت) صورت گرفته باشد، و به خاطر عفو و بخشش خواهی خبر داده شود، شر و ضرر بر پا خواهد شد، در آنصورت به دعا و استغفار برایش اکتفاء شود.

بنابر حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم هرگاه کسی به اندازه یک وجب از زمین ظلم کند و آنرا بگونه ای ظالمانه و ناحق غصب نماید، از هفت زمین آن وجب برگردنش حلقه می شود، یعنی هفت برابر مثل طوق برگردنش می گردد {عن عائشة رضی الله عنها أن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: من ظلم قید شبر من الأرض طوقه من سبع أرضین}

از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسیکه به اندازه یک وجب از زمین ظلم نماید، از هفت زمین آن وجب برگردنش حلقه می شود. (متفق علیه)

بنابران دین اسلام به ادای حقوق دیگران اگر چه ظاهراً اندک بنظر برسد، امر و ترغیب می نماید، کجا این وعید شدید و کجا غفلت غافلان و غاصبان و بی خبران که از هیچگونه

تجاوز و تعددی بر حریم بینوایان مستضعف دریغ نمی ورزند.

اسلام بر اجتناب کردن از ظلم و تعدی چه مادی و چه معنوی ترغیب می کند، در صورتیکه ظلم و ستمی صورت گرفته باشد، باید در صدد استبراء و برائت ذمه شده و نباید آنرا به آخرت واگذرا نمود که خیلی خطیر خواهد شد، زیرا در آنجا مال و ثروت سودی نمی رساند بلکه یا از حسنات و ثواب ها کاسته می شود، و یا بر گناهان افزوده خواهد شد.

آیا شخص غافل این همه را و این را که ظلم و ستم ثمره نیکی ها و ثواب ها را می کاهد، پی خواهد برد؟

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام فرمود: [من کانت عنده مظلمة لأخيه من عرضه أو من شيءٍ فليتحلله منه اليوم قبل أن لا يكون دينارٌ ولا درهم، إن كان له عمل صالح أخذ منه بقدر مظلمته و إن لم يكن عنده حسنات أخذ من سيئات صاحبه فحمل عليه] (آنکه حقی از برادرش بر اوست، از آبرویش یا چیزی دیگر، باید از وی بخشش طلبد قبل از اینکه روزی بیاید که درهم و دیناری نیست و هرگاه عمل صالحی داشته باشد به اندازه ظلمش گرفته شود و اگر عمل نیک نداشته باشد، از گناهان رقیفش (طرف خصومت او) گرفته شده و بر دوش او نهاده می شود) بخاری

غفلت از آخرت نیز یکی از صفات غافلان به شمار می رود، عیش و نشاط و جاه و جلال و سایر لذات دنیوی خیلی زود گذراند، ولی با وجود آن، انسان غافل را با انواع و اقسام بی خردی ها اسیر کمند هوا و هوس می کند، در حالیکه سرانجام، لذت مرگ را چشیده و نتیجه اعمال را دیدنی هستیم، پس پیروزی واقعی عبارت از نجات یافتن از عذاب دوزخ و دخول بهشت است که هرگز با غفلت و رزیدن میسر نمی شود: {كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَلَنَّمَا تُوَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ}

هر کسی مزه مرگ را می چشد، و بیگمان به شما پاداش و پادافره خودتان به تمام و کمال در روز رستاخیز داده می شود. و هرکه از آتش دوزخ به دور گردد و به بهشت برده شود، واقعاً سعادت را فراچنگ آورده و نجات پیدا کرده است. و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست. آل عمران- 185

شخص غافل یارای آنرا ندارد که وقت گرانبهایش را در جهت کسب رضای خداوند صرف نماید، بلکه بر عکس اوقات عزیزش را بیهوده به هدر داده ضایع می کند و بجای اینکه عمرش را که

امتحان و مسئولیت است در راه مفید سپری نماید، به شطحیات و امور زیانمند صرف نموده، فرقی میان حلال و حرام نمی گذارد، در حالیکه ابو برزه نضله بن عبید اسلمی روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: [لا تزول قدما عبد حتی یسأل عن عمره فیم أفناه، و عن علمه فیم فعل فیه، و عن ماله من أين اکتسبه، و فیم أنفقه، و عن جسمه فیم أبلاه] (در روز قیامت تا لحظه ای گامهای بنده میخکوب است که از عمرش پرسیده شود آنرا در کدام راه فنا نموده و از علمش که در آن چه کرده، و از مالش که از کدام راه بدست آورده و به کدام راه صرفش نموده و از جمشش که آنرا در کدام راه پیر کرده است) ترمذی پس غفلت زندگان راست تا قبل از آنکه عذاب الهی ایشان را فرا گیرد، و قبل از آنکه مراحل هولناک سكرات موت توأم با حسرات فوت فرا رسد و قبل از آنکه بگویند: افسوس که در بیدار شدن از خواب غفلت که باعث سرکشی های ما شد، تقصیر کردیم که بالاخره گرفتار چنین ذلت و شقاوت شدیم، پیش از این همه ندامت ها و حسرت ها، راه بازگشت و اصلاح را در پیش گیرند، زیرا دیگر آن ندامت ها و حسرت های بی هنگام بی فایده خواهد بود: {أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا قَرَّبْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ}

به درگاه خدا برگردید و تسلیم فرمان او شوید و از تعالیم وی پیروی کنید تا روز قیامت) کسی نگوید: دردا و حسرتا! چه کوتاهیها که در حق (طاعت و عبادت) خدا کرده ام. دریغا و فسوسا! من از زمره ی مسخره کنندگان (آئین یزدانی) بوده ام. (وای بر من! سرمایه ی وجودم را باختام و گرفتار خشم خدا شده ام!) زمر- ۵۶

غفلت در حقیقت عبارت از فرو رفتن در خواهشات نفسانی و نسیان هدایات قرآنی بطوری می باشد که نیروی ادراک و ضمیر از پی بردن آن عواقب ناگوار آن عاجز می ماند.

چیست غفلت هوای نفس اماره به عواقب نیابد عقل ماره

(ن- خ)

چون اهل غفلت اهلیت و قابلیت غور و تعمق کردن در آفرینش و هدف آن را ندارند، لذا همچون بهائم همواره در صدد برآورده سازی لذایذ ظاهری و زود گذر خورد و نوش اند و بس لطفا به این وعید قرآنی توجه شود: {وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ}

ما بسیاری از جَنّیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده‌ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. (این بدان خاطر است که) آنان دل‌هائی دارند که بدانها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی‌فهمند، و چشم‌هائی دارند که بدانها (نشانه‌های خداشناسی و یکتاپرستی را) نمی‌بینند، و گوش‌هائی دارند که بدانها (مواعظ و اندرزهای زندگی‌ساز را) نمی‌شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنان که باید سود نمی‌جویند و منافع و مضارّ خود را از هم تشخیص نمی‌دهند) همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته‌ترند (چرا که چهارپایان از سنن فطرت پا فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می‌پویند). اینان واقعاً بی‌خبر (از صلاح دنیا و آخرت خود) هستند. اعراف - ۱۷۹

کسانیکه غفلت بر آنها مستولی شده است، بنابر تکبر و غرور خویش حقایق را انکار نموده، هیچگونه توبه و اصلاح را نمی‌پذیرند، آنها چنان اند که هرگز از آیات و نشانه‌های الهی تأثیر پذیر نمی‌شوند، لذا بعوض مسیر هدایت، طریق ضلالت را اختیار می‌کنند، که در اثر اینگونه اعتیاد غفلت متمادی بالاخره ضمیر و باطن ایشان مسخ می‌گردد: در آیت ذیل خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: کسانى را که در زمین تکبر می‌ورزند از تأمل کردن در آیات و نشانه‌ها خویش باز خواهم داشت... { سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا } ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ كَذِبًا يَأْتَانَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

از (اندیشیدن درباره‌ی نشانه‌های موجود در آفاق و انفس و از فهم‌کردن) آیات خود کسانى را باز می‌دارم که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند (و خویشتن را بالاتر از آن می‌دانند که آیات ما را بپذیرند و راه انبیاء را در پیش گیرند)، و اگر هر نوع آیه‌ای (از کتاب آسمانى و هرگونه معجزه‌ای از پیغمبران و هر قسم نشانه‌ای از نشانه‌های جهانی) را ببینند بدان ایمان نمی‌آورند، و اگر راه هدایت (و رستگاری) را ببینند آن را راه خود نمی‌گیرند، و چنان که راه گمراهی را ببینند آن را راه خود می‌گیرند، این (انحراف از جاده‌ی شریعت خدا) هم بدان سبب است که آیات ما را تکذیب کرده و از آنها غافل و بی‌خبر گشته‌اند. اعراف - ۱۴۶

ذیلاً به چند علامت غفلت اشاره مختصر می‌شود: ۱- ضایع کردن وقت! انسان باید همواره سعی ورزد تا از هر لحظه عمرش استفاده اعظمی را نماید، زیرا هر دقیقه و ساعتی که می‌گذرد، در حقیقت از حضور و موجودیت او در ساحه زندگی کاسته شده و رهسپار یک

نهایت مملو از مسئولیت می گردد، ولی شخص غافل از این درک و احساس محروم است که باید در این فرصت نایاب بهترین کارنامه های صالح را ثبت تاریخ حیاتش نموده، و توشه ای برای فردای قیامت فراهم سازد: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ}

ای مؤمنان! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است. از خدا بترسید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می کنید. حشر 18 در حدیث ذیل پیامبر صلی الله علیه وسلم شخص مکلف را به تاجر و صحت بدن و فراغ را به رأس المال تشبیه فرموده اند، زیرا این دو از اسباب فایده و مقدمات رسیدن به کامیابی بشمار می رود، پس آنکه از این دو نعمت استفاده نموده و دستورات خدایش را عملی کند، سود می برد و آنکه سرمایه و رأس المال خویش را ضایع کند، وقتی نادم خواهد شد که ندامت و پشیمانی سودی نخواهد داشت.

{عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : " نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ ؛ الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ } (از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: دو نعمت اند که بسیاری از مردم از آن استفاده درست نمی نمایند، تندرستی و آسودگی از کار) مسلم

عمر عزیزت صرف لهو کردی	کی شود جبران این چه سهو کردی
روز قیامت که باشی در گوشه ای	چاره ای کن ای بیچاره با توشه ای

(ن- خ)

سستی و کاهلی کردن: یکی دیگر از خصوصیات مذموم غافلان سستی و کسالت در عبادات و سایر اعمال نیک می باشد، این گروه اساساً از انجام دادن اعمال نیکو و شایسته سرباز می زنند و هرگاه بالفرض عملی نیکوی را انجام دهند، مانند مردم بی اعتقاد، عمل مذکور را توأم با کره و کسالت انجام می دهند که اینگونه کره و تظاهر در حقیقت از خصوصیات کافران بوده است، زیرا کفار به زعم خودشان می خواسته، و می خواهند که از مضرت و ایدای هر دو طرف مومنان و مشرکان در امان باشند و نیز از هر دو جانب مستفید شوند لذا بظاهر دعوای ایمان می نمایند ولی حتی نماز را که یک عبادت آسان است با تنبلی و کسالت از بهر ربا

و فریفتن اهل ایمان انجام می‌دهند: {إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالً يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا}

بیگمان منافقان (نشانه‌های ایشان را می‌نمایانند و کفر خویش را پنهان می‌دارند و به خیال خام خود) خدا را گول می‌زنند! در حالی که خداوند (دما و اموال ایشان را در دنیا محفوظ می‌نماید، و در آخرت دوزخ را برای آنان مهیا می‌دارد و بدین وسیله) ایشان را گول می‌زند. منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی‌حال به نماز می‌ایستند و با مردم ریا می‌کنند (و نمازشان به خاطر مردم است؛ نه به خاطر خدا) و خدای را کمتر یاد می‌کنند و جز اندکی به عبادت او نمی‌پردازند. نساء 14

تکاسل کی باشد در طاعت روا تکاسل هم تغافل را کن دوا

(ن-خ)

یکی دیگر از نشانه‌های اشخاص غافل این است که معاصی را دوست میدارند در حالیکه شخص مؤمن هیچگونه دوستی قلبی با گناه را جایز نمی‌داند، اگر چه ممکن است بنا بر فریب شیطانی و هوای نفسانی مرتکب عصیان و گناه شود، ولی هرگز از دل و جان محبت گناه را در وجود خود نمی‌پروراند بلکه از آن نفرت داشته و همواره در جهاد کردن با نفس کوشیده و راه بیرون رفت از معصیت را جستجو می‌نماید. امام غزالی رحمه الله در کتاب احیاء علوم الدین می‌نویسد: [محب المعصية و الراضی بها عاص] (شخص محبت کننده با گناه و راضی از آن (گناه) گنهکار است) این گروه غافل هم معصیت را دوست میدارند و هم مرتکب گناه می‌شوند و هم نیت و آرزو و دعا و تلاش رهایی از معاصی را نمی‌نمایند، علاوه بر این در نشر و اشاعت آن خرسند شده و از اعلان نمودن گناه پوشیده لذت می‌برند که این عمل یک نوع عناد و سرکشی بوده و استخفاف به اسلام و مسلمین محسوب می‌گردد، ذیلا ابوهریره رضی الله عنه حدیثی را روایت می‌کند که رسول خدا علیه الصلاة والسلام در مورد کسانی که گناهان پوشیده را افشاء و اعلان می‌کنند چنین فرموده است: {كل امتی معافی إلا المجاهرین، و إن من المجاهرة أن يعمل الرجل باللیل عملاً ثم یصبح و قد ستره الله علیه فیقول: یا فلان عملت البارحة کذا و کذا و قد بات یستره ربه و یصبح یکشف ستره الله عنه}

همه اتمم مورد عفو قرار می گیرند، مگر اعلان کننده گان، و از زمره ای اعلان این است که مردی در شب عملی را انجام دهد و باز صبح کند در حالیکه شب را سپری کرده و خداوند آن را بر وی پوشیده و او صبح کرده و آنچه را که خدا پوشیده داشته ظاهر می کند (متفق علیه اگر اینگونه اشخاص از خواب غفلت بیدار می شدند، و عقل و هوش را بکار می انداختند حتما بعوض این همه افتخارات میان تهی و لاف و گزاف راه اصلاح و توبه را اختیار می نمودند.

بکن پرهیز تو ز جهر معصیت	جهر معصیت دان ز هر معصیت
مکن رنجه قدم بهر معصیت	باشد چون جهنم شهر معصیت
اظهار معاصی مکن ای عاصی	تا ز قهر خدا یابی خلاصی
شب شراب نوشی و روز فخر فروشی	سخت گوشت مالند سخت بازی گوشی
این مباهات لاف است و گزاف باشد	هم در شان نیکان استنحاف باشد
عاصی همان بهتر که نادم شود	به دین خیر البشر خادم شود

(ن- خ)

همچنان از علایم خطیر غفلت تهاون و عادی پنداشتنی گناهست که این پندار راه بسوی اصرار را گشوده بالاخره انسان را رهسپار ورطه مهلک معاصی خواهد نمود، نادیده گرفتن معصیت اگر چه ظاهرا کوچک به نظر برسد ولی ممکن است باعث بزرگ شدن آن شود، از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که وی از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می فرمود: { إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَّبِعُ فِيهَا يَرْكُ بِهَا إِلَى النَّارِ أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. } متفق علیه

(هر آئینه بنده ای کلمه ای را به زبان می آورد که در مورد آن نمی اندیشد و به سبب آن به دوزخ می لغزد، دورتر از آنچه در میان مشرق و مغرب است) متفق علیه

در حدیث دیگری آنحضرت صلی الله علیه وسلم می فرماید: { إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَى ذُنُوبَهُ كَأَنَّهُ قَاعِدٌ تَحْتَ جَبَلٍ، يَخَافُ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ، وَإِنَّ الْفَاجِرَ يَرَى ذُنُوبَهُ كَذُبَابٍ مَرَّ عَلَى أُنْفِهِ } مؤمن گناهی را که انجام میدهد فکر می نماید زیر کوهی نشسته است، می ترسد که بر سر او می افتد و شخص فاجر گنااهش را مانند این می بیند که مگس از بالای بینی اش عبور کرده است (بخاری

هر که گناه کرد و آنرا کم شمرد در ورطه غفلت هلاک شد و مرد
تھاون پسندی ترا خوار کند نفس اماره بیشتر اصرار کند

(ن- خ)

در این مختصر جا دارد مروری به آن چیزهای نمائیم که سبب و باعث غفلت می شوند، و این موضوع خیلی ها مهم است، زیرا هر شخص مسلمان حتی الوسع سعی می ورزد تا از همه اقسام اسباب غفلت اجتناب و دوری اختیار نموده و بعنوان یک شخصیت بیدار و عاقل و آگاه زندگی را بسر برد: [فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ] (پس) (از روی یقین) بدان که نیست معبود بر حق مگر الله) محمد - ۱۹

از مهمترین اسباب غفلت جاهل بودن به خداوند تبارک و تعالی می باشد، جاهل بودن به الله جل جلاله و اسماء و صفات او تعالی تأثیر منفی اش را بر قلب و ضمیر انسان گذاشته بالاخره وی را از خوف و امید و محبت الهی بی بهره خواهد نمود. (العیاذ بالله)، بدیهی است که عدم و یا کمرنگ شدن خوف و امید و محبت الهی در قلب و ضمیر از بزرگترین عوامل غفلت به شمار می روند.

وسواس تا نکند شیطان خناس اسماء و صفات الله را شناس
هر بی خبر از خداوند عظیم گیرد لا جرم پی نفس لئیم

(ن- خ)

شخص مؤمن و موحد سعی می ورزد تا اسماء و صفات الله متعال را مطالعه نموده و به همه اسماء و صفات (ثابت شده) بدون استثناء ایمان و اهتمام بندگی می داشته باشد، در این صورت به هر اندازه ای که معرفت وی نسبت به خالقش بیشتر شود به همان پیمانه از میزان غفلت وی کاسته خواهد شد.

پس هرگاه یک انسان خدایش را بشناسد حتما صفت خوف و امید و محبت او تعالی در قلب و ضمیرش پیدا می باشد و کسیکه صفات مذکور در باطن او وجود ندارد اصلاً خداوند را نشناخته است.

عارفان چونکه خدا را شناختند عاشقان شدند و دل به حق باختند
هرکه به حق دارد معرفت او یابد به دل داغ محبت او
علم و عشق هر چند دو وادی معلوم اند ولی درین باب لازم و ملزوم اند
چونکه موضوع بحث ما خداست و بس معرفت بی محبت دعواست و بس

(ن- خ)

از بزرگترین اسباب غفلت یکی هم معصیت می باشد و گناه اگر چه ظاهراً کوچک بنظر برسد ولی روی هم رفته دایره آن وسیع شده و بالاخره به گناهان بزرگ که مانع آگاهی و بصیرت معنوی می شوند، تبدیل می گردد، بحدی که فرق میان حق و باطل دشوار بلکه ناممکن می شود. الله متعال فرمود: {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ} نه چنین است بلکه زنگ بسته است بر دلهایشان آنچه می کردند (المطففين - ۱۴)

چرکین شود از گناه آئینه دل با دین بود از اینجا کینه دل
(ن- خ)

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می فرماید: {إِنَّ لِلْحَسَنَةِ ضِيَاءً فِي الْوَجْهِ وَنُورًا فِي الْقَلْبِ وَسَعَةً فِي الرِّزْقِ وَقُوَّةً فِي الْبَدَنِ وَمَحَبَّةً فِي قُلُوبِ الْخَلْقِ، وَإِنَّ لِلْسَّيِّئَةِ سَوَادًا فِي الْوَجْهِ وَظُلْمَةً فِي الْقَلْبِ وَوَهْناً فِي الْبَدَنِ وَنَقْصًا فِي الرِّزْقِ وَبَغْضًا فِي قُلُوبِ الْخَلْقِ} همانا حسنه و نیکویی (سبب) روشنایی در چهره و نوری در قلب و فراخی در رزق و قوتی در جسم و محبت در قلب های مردم است و همانا گناه و کار ناپسند (سبب) سیاهی در چهره و تاریکی در قلب و سستی ضعف در بدن و نقص در رزق و کینه در قلب های مردم است. باید دانست که مصائب و متاعب مادی و معنوی که غفلت هم جزو آنها بشمار می رود، به سبب اعمال و افعال قریب و یا بعید انسان هاست در حالیکه الله متعال بنابر رحمت بیکرانیش از بسیاری گناهان در می گذرد: {وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ}

آنچه از مصائب و بلا به شما می رسد، به خاطر کارهایی است که خود کرده اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می کند (که شما از آنها توبه نموده اید و یا با کارهای نیک

آنها را از نامه‌ی اعمال زدوده و پاک کرده‌اید) { شوری - ۳۰

بلکه هرگاه نیت و اعتقاد و اعمال بندگان از نیکویی و ثواب بسوی زشتی‌ها و عصیان برود، در آن صورت انعام به انتقام تبدیل می‌شود و خداوند جل جلاله نعمت‌هایش را باز می‌ستاند:

{ذَلِكَ يَٰۤاِنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا يَٰۤاَنْفُسِهِمْ ۚ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ}

این بدان خاطر است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده است تغییر نمی‌دهد مگر این که آنان حال خود را تغییر دهند (و دیگر شایستگی نعمت خدا را نداشته باشند و بلکه سزاوار نعمت گردند) و بیگمان خداوند شنوای (اقوال و) آگاه (از افعال مردمان) است. انفال-۵۳

از معاصی نعم می‌گردد نقم	شخص عاصی صحت را سازد سقم
قوم نوح و قوم لوط و قوم هود	مکرشان جز ضررشان نیفزود
چرکین شود از گناه آئینه دل	با دین بود از اینجا کینه دل
فعل شر ای جوان علیت کند	در نظر جهان ذلیلت کند
حیا که آبروی هر پیر و برناست	از فرط گناه از بین ما برخاست
هرکه با گناهان عمرش تباه کرد	رسوا شد به جهان رویش سیاه کرد
جسم ترا معاصی کند ضعیف	روح تو از معصیت گردد نحیف
ز آفات معاصی همینست بس	که نشود ای عاصی قربت کس
معاصی آدمی را غافل کند	از مقام والایش سافل کند
بس دیده ام نخبه گان و نواصی	هرگز نیافتم عاقل در معاصی
ز منکر عمران دنیا گم شود	بحر و بر طوفان و تلاطم شود

(ن - خ)

قابل تذکر است که هر مسلمان و مؤمن آگاه و با بصیرت از آن چیزهای که انسان را به خواب غفلت می‌کشاند مانند: حب دنیا، همنشین بد، غفلت از موت و آخرت، و غیره، تا حد توان اجتناب و ابتعاد اختیار نماید.

شخص غافل مغز می‌پندارد پوست را شخص غافل دشمن می‌خواند دوست را

شخص غافل مانند کودک بود	ترک غفلت کن گر چه اندک بود
غافل تو از سال و ماه و هفته یی	بس که اندر خواب غفلت رفته یی
خدایش به غفلت گرفتار کند	هر که در جرم و گناه اصرار کند
به عواقب نیابد عقل ماره	چیست غفلت؟ هوای نفس اماره
اسیر بند آن به جز جاهل نیست	رهایی ز غفلت کار کاهل نیست
خواب غفلت چشم حق بین کند کور	چشم غافل کی بیند نور همچو نور
خدایا حظ جنتم دیدار کن	الها از این غفلتم بیدار کن

(ن - خ)

آیا همین زهر غفلت در طول زمانه ها، توسط جباران تاریخ جبرا به توده های ضعیف خورانده نمی شد؟ و تاکنون این سنت سیئه زورمندان به اشکال و انواع گوناگون دوام دارد تا به قصد اعمال مقاصد شوم شان ملت های ضعیف را اغفال نموده و خود بر اریکه قدرت بمانند باید نخستین تعلیم برای هر انسان حتی قبل از سن تکلیف این باشد که پیوسته آگاهی و بیداری را سرمشق زندگی قرار دهد، تا بواسطه غافلگیران غافلگیر نشود، زیرا غفلت دشمن دیرینه خوشبختی ها و سعادت های آدمیزاد است که با صد نیش فریب وی را می گزد، و از پا در می آورد، تا بالاخره عمران رؤیایها و آرزوهای او را به ویرانه های یاس و نومیدی تبدیل کند.

دکتر: نهضت‌ساز خطیبی